

## The Role of Endowment in the Preservation of Fine Quran Manuscripts: A Case Study of the Fine Quran Manuscripts in the Treasury of Astan Quds and Their Donors During the Qajar Period

Valiallah Kavusi<sup>1</sup>

Received: 2023-11-21, Accepted: 2024-02-10

Doi: 10.22034/rac.2024.716514

### Abstract

The tradition of endowing Quran manuscripts to mosques and holy shrines has been established since the early decades following the rise of Islam. In Iran, the Imam Reza shrine complex in Mashhad has consistently served as the primary center for receiving endowed Quran manuscripts. Since at least the beginning of the tenth century, numerous individuals have endowed thousands of exquisite manuscripts at this site. The motivations behind these donations can be classified along a spectrum that includes desires for spiritual rewards, the dissemination of knowledge and awareness, the preservation of personal and familial legacies, and the safeguarding of works from the ravages of time. Among these, the latter motivation has proven particularly valuable for the study of Islamic art history. During the Qajar period, which marks the transition from ancient to modern Iran, the Astan Quds Razavi underwent notable changes. The Shah himself assumed the role of custodian of the shrine, appointing his deputies from the capital. Additionally, government officials and aristocrats affiliated with the ruling class contributed their valuable Quran manuscripts, either as relics from their predecessors or commissioned by themselves, to Astan Quds Razavi.

This article will first outline the definitions and concepts of endowment within the context of the Quran and Islamic tradition, followed by an overview of the motivations for such endowments. It will also provide a brief account of the management of endowments at the Razavi shrine during the Qajar period. Furthermore, it will examine the personal lives and social statuses of ten donors of Quran manuscripts from this era, elucidating the impact of their roles and motivations on preserving and enriching the Quran manuscript collection at Astan Quds Razavi.

This inquiry aims to address the following questions:

1. What is the historical background and significance of the Razavi shrine collection in preserving fine Quran manuscripts throughout history?
2. How was the management system of Astan Quds Razavi structured during the Qajar period, and what changes were implemented compared to previous periods?

---

1. Assistant Professor at Art and Architecture Department.  
Encyclopaedia Islamica Foundation. Email: v.kavusi@ut.ac.ir

3. What were the motivations behind the dedication of Quran manuscripts?
4. Who were the donors of these Quran manuscripts during this period, what were their social positions, and what was their relationship with the shrine of Imam Reza?
5. What processes were involved in the production and preservation of these Quran manuscripts, and what are their structural and aesthetic qualities? Additionally, which manuscripts can be identified as products of this period, and which are remnants from earlier periods?

Ultimately, it becomes evident that the endowment of these works, regardless of the underlying motivations, has contributed to their preservation and facilitated their study within the context of art history.

**Keywords:** Endowment, Mushaf, Qajar period, Astan Quds Razavi, Islamic art

## کارکرد وقف در حفظ مصحف‌های نفیس (مطالعه موردی: مصحف‌های نفیس گنجینه آستان قدس رضوی و واقفان آنها در دوره قاجار)

ولی‌الله کاوسی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

Doi: 10.22034/rac.2024.716514

### چکیده

سنت وقف مصحف بر مساجد و بقاع متبرک از نخستین دهه‌های ظهور اسلام جاری شد. در ایران همواره مهم‌ترین مرکز جذب مصاحف وقفی مزار امام رضا<sup>(ع)</sup> در مشهد بوده و کسانی بسیار، دست‌کم از اوایل سده چهارم تا کنون، هزاران مصحف نفیس وقف آنجا کرده‌اند. انگیزه‌های معنوی و دنیوی این واقفان را در گستره‌ای از شوق تحصیل ثواب و نشر دانش و آگاهی، تا بقای نام خود و خاندان و حفظ آثار از گزند روزگار می‌توان دسته‌بندی کرد، که این انگیزه آخر بیشتر به کار مطالعات تاریخ هنر اسلامی آمده است. در دوره قاجار که پایانه ایران کهن و دروازه ایران نوگراست، به آستان قدس رضوی قدری متفاوت از ادوار پیش توجه شد، چنان‌که شاه خود متولی حرم گشت و همه نایبان تولیتش را از پایتخت فرستاد. سران حکومت و اشراف وابسته به ایشان نیز مصحف‌های موجودشان را، که یا یادگار پیشینیان یا سفارش خودشان بود، پیشکش آستان رضوی کردند. در این نوشتار ده تن از سرشناس‌ترین واقفان قاجاری مصاحف گنجینه رضوی، به همراه نسخه‌های اهدایی‌شان، معرفی و جایگاه اجتماعی و انگیزه‌هایشان تا حدی بررسی شده است. در انتها روشن می‌شود که وقف این آثار، با هر انگیزه‌ای، به حفظ آنها انجامیده و زمینه را برای مطالعات تاریخ هنری فراهم کرده است. روش دست‌یابی به اطلاعات، مراجعه به متون حدیث و فقه، تاریخ‌نامه‌های معتبر عصر قاجار، و مطالعه مقالات تحلیلی معاصر، به‌ویژه در نشریه *وقف میراث جاویدان*، در کنار تحلیل مصحف‌های وقفی بوده است.

کلیدواژه‌ها: وقف، مصحف، دوره قاجار، آستان قدس رضوی، هنر اسلامی

۱. استادیار گروه هنر و معماری بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی.

## مقدمه

سنت دیرپای وقف قرآن بر مزار حضرت رضا<sup>(ع)</sup> که افزون بر هزار سال پیشینه داشت، در دوره قاجار حیاتی تازه یافت و ده‌ها مصحف نفیس از ادوار متأخر و گاه کهن از طریق وقف به گنجینه این آستان مقدس افزوده شد. جدا از فرمانروایان و سران بلندپایه دربار قاجار، در این زمان شماری از اشراف طبقه میانی و زنان و مردانی از خاندان‌های وابسته به دربار نیز به جرگه واقفان مصاحف پیوستند. با آن‌که تاکنون در نوشته‌های متعدد، به کیفیات هنری و جزئیات ساختاری و تاریخی این مصاحف، از شرح و ارزیابی خط و تذهیب و صحافی و جلد، تا سرگذشت هنرمندان دست‌اندرکار پرداخته‌اند، بنیان و واقفان این آثار که در خلق و حفظ آنها سهمی اساسی داشته‌اند، تاکنون چنان‌که باید شناسایی و معرفی نشده و ذکرشان از حد بازخوانی یادداشت‌های وقفی که بر مصاحف نوشته‌اند، فراتر نرفته است. این در حالی است که بررسی احوال و کنکاش در انگیزه‌های این کسان، در مقام واقف و گاه سفارش‌دهنده، ابعادی ناپیدا از شرایط تولید آثار نفیس هنری و ماندگاری یا زوال آنها را بر ما معلوم می‌دارد، و این خود الگویی به دست می‌دهد برای مطالعه زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری و تداوم حیات آثار هنری و بده‌بستان‌های فرهنگی هنرمندان با طبقات فرادست و گاه میانی مردم، و نیز تعاملات خود مردم با یکدیگر در مواجهه با اشیاء هنری. و باید دانست که این دادوستدهای فرهنگی مختص جوامع اسلامی، در این مورد ایران، در روزگار پیشامدرن بوده که با روابط فرهنگی و چرخه تولید و دست‌به‌دست شدن آثار هنری در سایر جوامع، به‌ویژه در غرب، کاملاً تفاوت داشته است.

در نوشتار حاضر پس از اشاراتی به تعاریف و مفاهیم وقف در قرآن و سنت اسلامی، نگاهی کلی به انگیزه‌های وقف، و شرحی مختصر در باب اوضاع مدیریت اوقاف حرم رضوی در دوره قاجار، حیات فردی و پایگاه اجتماعی شماری از واقفان مصحف‌ها را در این روزگار بررسی و تأثیر نقش و انگیزه ایشان را بر حفظ و غنای مجموعه مصاحف نفیس این آستان تا حدی روشن خواهیم کرد. در این مسیر چنین پرسش‌هایی را پیش رو داریم: ۱. مجموعه حرم رضوی در گردآوری و حفاظت از مصحف‌های نفیس در طول تاریخ چه پیشینه و جایگاهی داشته است؟ ۲. سازوکار مدیریت اجرایی آستان قدس رضوی در دوره قاجار چگونه بود و چه تغییراتی نسبت به ادوار پیشین داشت؟ ۳. چه انگیزه‌هایی را می‌توان برای وقف مصاحف برشمرد؟ ۴. واقفان مصحف‌ها در این روزگار چه کسانی با چه مراتب

اجتماعی بودند و نسبتشان با مجموعه زیارتگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> چه بود؟ ۵. این مصحف‌ها در چه روندی ساخته و نگهداری شده و کیفیت ساختاری و زیباشناسانه‌شان چگونه است؛ کدام‌یک از آثار همین دوره و کدام‌یک بازمانده از دوره‌های پیش است؟

## تعاریف و کارکردهای وقف در سنت اسلامی

نخستین معنای لغوی وقف در زبان‌های عربی و فارسی «ایستادن»، «ایستاده ماندن»، «ایستادن»، «قد برافراشتن»، «بازداشتن» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه؛ آذرنوش، ۱۳۷۹: ذیل واژه)؛ اما در اصطلاح فقهی به معنی «عقدی است که ثمره آن حبس کردن اصل، و رها کردن منفعت آن است» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۴۷)، و در این مفهوم، آن را به «وقف کردن بر مساکین چیزی را به راه خدا»، «آنچه را در تملک کسی باشد، به راه خدا گذاشتن»، و گاه به معنی مطلق «عطا» به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). با آن‌که در قرآن مجید از وقف به‌صراحت یاد نشده، مفاهیم متعددی چون قرض‌الحسنه، تعاون، صدقه، انفاق، احسان، ایثار، عمل صالح، باقیات صالحات، خیرات، و مبرات را در کلام الهی می‌توان منطبق با مفهوم کلی وقف در نظر گرفت. از جمله آیات قرآن با اشاراتی به مفهوم وقف، یکی آیه ۹۲ سوره آل عمران است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»، و دیگری آیه ۴۶ سوره کهف: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً». در حدیثی منقول از پیامبر اسلام (ص) نیز از «صدقه جاریه» سخن رفته که فقها آن را وقف تفسیر کرده‌اند. بر این اساس، پیداست که وقف از سنن حسنه‌ای است که از نخستین سال‌های ظهور اسلام در جوامع اسلامی رواج یافته است و نیکوکاران مسلمان با بذل همه یا بخشی از دارایی‌ها یا منافع خویش در راه استفاده عمومی، این سنت را تا امروز تداوم و رونق بخشیده‌اند. در تمام این مدت دراز اموال وقفی، طیفی گسترده از مستغلات و اراضی و ابنیه و باغ و مزرعه و چاه و دارایی‌های دیگر را در بر گرفته است. در اغلب موارد این اموال، یا منافع و درآمدهای حاصل از آنها، برای استفاده عموم یا گروهی مشخص از مردم وقف عام یا خاص شده است. مساجد، بقاع و مزارات متبرک، حسینیه‌ها و تکایا، بیمارستان‌ها، و مدارس همواره از مهم‌ترین پذیرنده‌های وقف بوده‌اند که عواید وقفی را، بنا به صلاحدید واقف یا متولیان وقف، یا صرف احداث و تعمیرات و مخارج جاری بنیادهای یادشده کرده‌اند یا در اختیار مردم نیازمند نهاده‌اند. نمونه شاخص و فعال

### انگیزه‌های وقف کتاب و مصحف

به نظر می‌رسد خیل عظیم واقفان نسخه‌های نفیس، از جمله واقفان مصاحف، طی سده‌های متوالی رواج وقف در جوامع اسلامی، انگیزه‌ها و اهداف متعددی را در نظر داشته‌اند که کسب ثواب، علاقه به ترویج علوم اسلامی، ماندگاری نام خویشتن و خاندان، و حفظ کتب نفیس در برابر آسیب‌ها، از مقاصد مهم‌تر بوده‌اند. مورد اول در ترغیب واقفان کارکردی اساسی داشت، چراکه ایشان، مطابق آیات و روایت پیش‌گفته، وقف کتاب و مصحف را از زمره باقیات صالحات و صدقات جاریه می‌شمردند. خداوند در این آیات عاملان نیکی‌های ماندگار را به پاداشی ناب و فرجامی خوش وعده داده است. لذا نیکوکاران همواره در پی راه‌جستن به مصداق‌های روشن‌تر و مطمئن‌تر کارهای نیک و ماندگار بودند و کدام نیکی شاخص‌تر از اهدای موقوفاتی که پس از وفات واقف همچنان می‌ماند و ثوابش جریان می‌یابد؟ از آنجاکه اهداء کتب و تا حدی مصحف‌های نفیس بیش‌و کم در حدود بضاعت بسیاری از مسلمانان بود، در نظر ایشان به منزله عمل صالحی پایدار نقش بست و در طلب تحصیل رضای الهی، به رایج‌ترین محمل وقف مبدل گشت، زیرا مؤمنان بر این باور بودند که از ثواب هدایت حاصل از قرائت قرآن، سهمی هم به واقف می‌رسد.

عامل دیگر در روی آوردن مسلمانان به وقف کتاب، علاقه و اشتیاق به ترویج دانش و معرفت بود که برخلاف عامل پیشین چندان عمومی و فراگیر نبود، بلکه بیشتر در بین دانشوران و اهل علم تداول داشت؛ هرچند فرمانروایان و صاحبان قدرت هم گاه‌به‌گاه از انجام آن غافل نبودند. گرایش مسلمان به دانش و آگاهی، به‌ویژه در دوره‌های شکوفایی تمدن اسلامی، رو به فزونی نهاد و بدین‌جهت به هر آنچه ایشان را به کشف و گسترش معرفت رهنمون می‌شد، اقبال نشان می‌دادند. پیداست که در دسترس نهادن مهم‌ترین ابزار دست‌یابی به دانش، که همانا کتاب است، متعارف‌ترین راه گسترش معرفت بود. باید در نظر داشت که این کار در زمانی صورت می‌پذیرفت که استساخت یگانه راه تولید و تکثیر کتاب بود و از کار درآوردن هر کتاب روندی دشوار و وقت‌گیر و پُرخرج داشت که گاه ماه‌ها و ای بسا سال‌ها به درازا می‌کشید. از این منظر، بی‌سبب نبود که صاحبان و مروّجان دانش گاه کتاب‌های موجودشان را وقف کتابخانه‌های عمومی می‌کردند و گاه حتی خود دست به نسخه‌برداری از کتاب‌ها می‌بردند و محصول کتابشان را در اختیار کتاب‌خوان‌ها می‌گذاشتند. در این میان، تحریر مصحف

این‌گونه اماکن مبتنی بر وقف در جهان اسلام، مجموعه عظیم زیارتگاه حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در مشهد است که قرن‌ها مهم‌ترین مرکز جذب و صرف انواع موقوفات در ایران بوده است.

### پیشینه وقف کتاب در تاریخ اسلام

اما روی دیگر جریان وقف، دایر کردن کتابخانه و اهداء انواع کتاب به آنهاست. چنان‌که می‌دانیم، اساس دین اسلام بر کتاب استوار شده و خواندن و نوشتن همواره جزء جدایی‌ناپذیر تمدن اسلامی بوده است. جایگاه مکتوبات در فرهنگ اسلامی چندان بوده که کسانی علت خاتمیت دین اسلام را خروج بشریت از دوران کلامی و شنیداری و ورود به دوران نوشتاری دانسته‌اند (مؤذن جامی، ۱۳۷۹: ۵۳). با این اوصاف، جای شگفتی نیست که وقف کتاب، و در رأس آن نسخه‌های قرآن (مصاحف)، از همان آغاز ظهور اسلام امری پسندیده، حتی واجب، و در شمار صدقه جاریه و باقیات صالحات به حساب آمد. چندان نپایید که وقف کتاب در جامعه مسلمانان آن‌چنان گسترش یافت که طبقات مختلف مردم، از خلفا و فرمانروایان و صاحب‌منصبان، تا اشراف و بازرگانان و عالمان و عموم کتاب‌دوستان، نه فقط انبوهی از انواع کتاب، که اموال منقول و نامنقولی را وقف گسترش و نگهداری مخازن کتاب و حتی تولید و توزیع کتاب‌های جدید کردند.

بدیهی است که نخستین و بیشترین نشانه‌های سنت وقف کتاب را باید در وقف مصحف‌ها ردیابی کرد که اندک‌زمانی پس از برآمدن اسلام به جریان افتاد. مطابق منابع تاریخی، عثمان بن عفان (درگذشته ۳۵ق)، خلیفه سوم مسلمین، به ترغیب امام علی بن ابی‌طالب<sup>(ع)</sup> پس از یک‌دست‌سازی رسم الخط قرآن، چهار یا هفت نسخه از کتاب خدا را ترتیب داد و با هدف استفاده عموم مسلمانان، برای شماری از مساجد بزرگ در مراکز اصلی تمدن اسلامی، از جمله مکه، یمن، بحرین، بصره، و کوفه فرستاد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۳، ۱۱۲؛ فضائلی، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۲). همچنین گفته شده اسحاق بن مرار ابوعمرو شیبانی (درگذشته ۲۰۶ق) بیش از هشتاد مصحف به خط خود نوشت و به مساجد کوفه سپرد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ج ۶، ۳۲۹-۳۳۰). در برخی موارد هم به‌صراحت از وقف مصحف سخن رفته است، چنان‌که گفته‌اند مفضل بن محمد صنبی (درگذشته ۲۰۸ق) نسخه‌هایی از قرآن کتابت و وقف مسجدها می‌کرد و چون از انگیزه عملش پرسیدند، پاسخ گفت: «با این کار گناهانم را در نگارش سخنان مطابقت‌آمیز جبران می‌کنم» (سیوطی، ۱۳۸۴ق: ج ۲، ص ۲۹۷).

رایج‌تر از نسخه‌های دیگر بود، زیرا کلام خدا را علاوه بر صاحبان فضیلت، عموم مؤمنان و نمازگزاران، از عالم و عامی، قرائت می‌کردند.

سومین انگیزه وقف کتاب جاودان ساختن نام خود یا خاندان خود بود. از گذشته‌های دور، بسیاری از دولتمردان و صاحبان جاه و ثروت، یا اعضای خاندان‌های محتشم اعم از زن و مرد، وقف کتاب و مصحف را طریقی برای ماندگاری نام خود و والدین و نیاکان و حتی فرزندان‌شان می‌دیدند. این انگیزه اگرچه از منظر معنوی شأنی نداشت، نصیبش به کتاب‌خوانان و کتاب‌دوستان می‌رسید. باید پذیرفت که بخش اعظم گنجینه‌های کتب اسلامی از یادگارهای همین مشتاقان جاودانگی گرد آمده است.

اما انگیزه‌ای که بیش از همه به کار تاریخ‌نگاری هنر اسلامی آمده، وقف کتاب با تیت حفظ آن بوده است. طبیعتاً نسخه‌های نفیس، چه پوستی و چه کاغذی، با گذشت زمان در معرض انواع آفات بوده‌اند. انبوه مکتوباتی که امروز هیچ نشانی از آنها نیست، گواه این سخن است. در این میان، کسانی بودند که از سر آگاهی نسخه‌های پربهایشان را وقف کتابخانه‌ها یا زیارتگاه‌هایی می‌کردند که می‌دانستند در آنجا به این آثار رسیدگی خواهد شد. امروز اگر به عرصه نسخه‌شناسی قدم نهیم، بسیاری نسخ را می‌بینیم که در دوره‌ای غیر از دوره ساختشان، به دست مرتکبان از نو صحافی یا تجلید یا حاشیه‌بندی شده‌اند. همچنین در روزگار معاصر امکان عکس‌برداری و مطالعه و معرفی این آثار و بهره‌گیری از آنها در نگارش تاریخ هنر اسلامی برای پژوهشگران فراهم شده و این‌ها همه از ثمرات و برکات وقف است. در نتیجه، آنان که کتاب‌های نفیس را به قصد حفاظت وقف کرده‌اند، چنین خدمات مهمی به مطالعات هنر اسلامی عرضه داشته‌اند؛ هرچند این منفعت از سایر انگیزه‌های وقف نیز عاید شده است.

### جایگاه آستان قدس رضوی در گردآوری و حفاظت از مصحف‌های نفیس

کتابخانه آستان قدس رضوی از کهن‌ترین و غنی‌ترین گنجینه‌های نسخ اسلامی است که شکل‌گیری‌اش را می‌توان به نخستین سال‌های پس از شهادت امام علی بن موسی الرضا (شهادت ۲۰۳ق) نسبت داد. از همان زمان بود که شیعیان مؤمن و دوست‌دار اهل بیت<sup>(ع)</sup> از اقصانقاط عالم اسلام رو به این بقعه متبرک آوردند و در آباد گردانیدن آن به جان کوشیدند. در این میان، یکی از مهم‌ترین راه‌های اظهار ارادت و محبت به آن حضرت و تلاش در جهت توسعه بارگاهش، وقف اشیاء گران‌بها، خاصه

کتاب‌ها و مصحف‌های نفیس بود که اندک‌زمانی پس از مرکزیت یافتن حرم رضوی به جریان افتاد. کهن‌ترین مصحف‌هایی که امروز در گنجینه نسخ آستان قدس محفوظ است، یکی نسخه موقوفه کشواد بن املاس با تاریخ ۳۲۷ق است و دیگری جزو مصحفی است که حاکم وقت خراسان، ابوالقاسم علی بن ناصرالدوله ابی‌الحسن محمدابراهیم بن سیمجور در ۳۸۳ق به بارگاه امام هشتم شیعیان پیشکش کرده و امروز به مصحف ابن‌سیمجور شهرت دارد. همچنین مصحف موقوفه ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر، وزیر و صاحب‌دیوان سلطان محمود غزنوی، به تاریخ ربیع‌الاول ۳۹۳، و مصحف وقفی ابوالقاسم علی بن حسوله، وزیر و صاحب‌دیوان رسائل مجدالدوله دیلمی، به نیابت از کاتبش ابوالبرکات حسینی، با تاریخ رمضان ۴۲۱ دو قرآن کهن دیگر در این آستانه مبارک‌اند (صحرارگرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸-۶۹؛ گلچین معانی، ۱۳۴۷: ب-ج).

روند رشد و گسترش گنجینه نسخ آستان قدس رضوی با فراز و فرودهایی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران همچنان تداوم یافت تا به دوره قاجار رسید. به نظر می‌رسد موضوع وقف نسخ را در دوره قاجار باید قدری متفاوت از دوره‌های پیش‌تر نگریم؛ چراکه از منظر تاریخی این دوره سرحدی است میان ایران کهن پیشامدرن و ایران در آستانه ظهور مظاهر تجدد و زوال سنن فرهنگی پیشین. در حوزه بحث حاضر نیز میراث هزارساله نسخه‌نویسی و نسخه‌سپاری ایرانیان به دست مردمان این روزگار رسید و در هر دو زمینه آخرین نشانه‌های حیات اصیلش را از سر گذراند.

اوضاع نابسامان اوایل دوره قاجار در خراسان، که حضور بازماندگان خاندان افشار در آنجا بدان دامن می‌زد، اداره حرم رضوی را نیز آشفته کرد، به طوری که تا مدت‌ها هیچ‌کس عهده‌دار مقام تولیت آستان نبود و سرپرستی حرم و اداره موقوفات را به شکلی پراکنده، صاحب‌منصبان مشهد بر عهده می‌گرفتند که حاصلش اغتشاش و بی‌نظمی بیشتر بود. این وضع همچنان ادامه داشت تا این‌که فتحعلی‌شاه قاجار میرزا موسی فراهانی (۱۲۲۰-۱۲۶۲ق)، برادر کوچک میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، را در سال ۱۲۴۷ق به سمت «ناظمی کل سرکار فیض آثار حضرت رضوی علیه‌السلام» منصوب کرد و او را به مقام «ناظر وقف» یا همان تولیت آستان مقدس رساند (جلالیان، ۱۳۹۲: ۳۲). با مساعی میرزا موسی اوضاع حرم نظم و سامان یافت و عایدات موقوفات نیز صرف ارتقاء امکانات و خدمات زائران و مراجعان گردید.

را در رأس امور قرار داد. همچنین مبالغی کلان صرف تزئین و تعمیر بقاع متبرک عراق کرد که پوشاندن گنبد مزار امام حسین (ع) به آجر زرین از آن جمله بود (سپهر، ۱۳۴۴: ج ۱، ۷۰، ۴۷۲). در مسیر این سیاست، فتحعلی شاه در سال ۱۲۳۳ق یکی از کهن‌ترین مصحف‌های منسوب به دستخط یاقوت مستعصمی (درگذشته حدود ۶۹۸ق)، خوشنویس شهیر سده هفتم، را وقف آستان رضوی کرد. کتابت این مصحف به خط نسخ، در صفحات ۱۵ سطری به ابعاد ۳۳ × ۵۱ سانتی متر، در ماه رجب ۶۰۴ تکمیل شده است. مطابق تاریخ انجامه، این مصحف را نمی‌توان از آثار قلم یاقوت دانست، زیرا او احتمالاً در این زمان هنوز زاده نشده بود (موثّق‌ترین زادروز یاقوت را سال ۶۱۸ق ذکر کرده‌اند)، اما این نکته چیزی از نفاست اثر نمی‌کاهد، چه، خط آن از نخستین نمونه‌های قلم نسخ به شیوه‌ای است که بعدها یاقوت به کمالش رساند. تذهیب نسخه احتمالاً در سده یازدهم به دست هنرمندان دربار قطب‌شاهیان هند به انجام رسیده است و جلد و صفحاتش را هم استادکاران عصر قاجار تعمیری اساسی کرده‌اند. ما نمی‌دانیم فتحعلی شاه از اعتبار تاریخی این نسخه آگاه بوده است یا نه، اما صرف وقف آن به گنجینه رضوی اقدام ارزشمندی بوده که آن را امروز برای ما محفوظ داشته است (تصویر ۱).

محمدتقی میرزا رکن‌الدوله (۱۲۶۲-۱۳۱۸ق): پسر سوم محمدشاه و برادر کوچک ناصرالدین شاه پس از انتصاب به حکومت تهران و زنجان در سال‌های ۱۲۷۳ و ۱۲۸۳ق از جانب ناصرالدین شاه، به سبب لیاقت و کاردانی‌اش، در سال ۱۲۹۳ق فرمان فرمای خراسان شد و در ۱۲۹۷ق شاه علاوه بر تمدید این سمت، تولیت آستان قدس رضوی را نیز به او سپرد. رکن‌الدوله تا زمان مرگش در سال ۱۳۱۸ق، با وقفه‌هایی (که طولانی‌ترینش حکومت بر فارس از ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۴ق بود)، در حکومت خراسان باقی ماند (بامداد، ۱۳۵۷: ج ۳، ۳۱۲-۳۱۷؛ معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۱۸). این شاهزاده قاجار که خود خوشنویس بود و در جوانی قواعد نستعلیق را از میرزا کاظم خوشنویس طهرانی (درگذشته ۱۳۲۵ق) آموخته بود (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۸۶-۵۸۷)، در سال ۱۳۰۱ق مصحفی کم‌نظیر را با تاریخ تحریر ۷۲۰ق به خط عبدالله صیرفی تبریزی (درگذشته حدود ۷۴۲ق)، خطاط بلندمرتبه عهد ایلخانان، به روضه رضوی پیشکش کرد. این مصحف نفیس در صفحاتی ۱۵ سطری به ابعاد ۲۰ × ۲۹ سانتی متر، به خط نسخ ممتاز به شیوه یاقوت مستعصمی کتابت و احتمالاً در دوره صفوی تذهیب شده است. صفحه انجامه

انتصاب مقام تولیت که از زمان صفویان رایج شده و با شرایطی بیش‌وکم ثابت تا عصر قاجاریان تداوم یافته بود، در این دوره دچار تغییراتی شد که بر نظام اداره موقوفات، طبقه و پایگاه اجتماعی واقفان، و حتی کیفیت مصحف‌های اهدایی به گنجینه رضوی تأثیر نهاد. نخستین تغییر این بود که در این زمان، به خلاف دوره‌های صفوی و افشار، عنوان متولی را خود شاه برای خویشتن برگزید و کسانی را با عنوان نایب‌التولیه به اداره امور آستان قدس رضوی در مشهد گماشت؛ بدین‌سان عنوان متولی به نایب‌التولیه تغییر یافت. دیگر این‌که عموم نایب‌التولیه‌ها را نه همچون گذشته از طبقه علما و سادات، بلکه از میان رجال وابسته به دربار برمی‌گزیدند. سوم این‌که در دوره‌های پیشین اغلب متولیان از اهالی خود ولایت خراسان بودند، اما در عهد قاجار همه نایب‌التولیه‌ها را، بی‌استثنا، از پایتخت می‌فرستادند. آخر این‌که در این روزگار شماری از حاکمان ولایت خراسان، هم‌زمان تولیت حرم رضوی را نیز بر عهده گرفتند که این هم در ادوار گذشته سابقه نداشت.

#### واقفان مصحف‌ها در دوره قاجار

گنجینه رضوی در عهد قاجار همچنان معتبرترین مرکز جذب موقوفات نسخ نفیس، به‌ویژه مصاحف، بود. در این زمان، جدا از جایگاه و اعتبار خود آستان مقدّس، تغییراتی که در نظام مدیریت مجموعه اعمال شد، طیف وسیعی از وابستگان دربار و اشراف و تجار ایرانی را به وقف مصحف‌های نفیس راغب کرد. حتی روابط دربار و رجال قاجار با هندیان، شماری از محتشمان این سرزمین را هم به میدان وقف مصاحف کشاند. گفتنی این‌که در میان نام واقفان قاجاری مصحف‌های آستان قدس، کمتر به نام کسانی از مردم طبقات میانی و فرودست و حتی علما و اهل فضل آن روزگار برمی‌خوریم و غالب هر چه هست، از طبقه اغنیا به دست رسیده است. گذری بر احوال این کسان شاید بر روشن شدن ابعادی از این جریان پرتو افکند.

فتحعلی شاه (۱۱۸۶-۱۲۵۰ق): بلندپایه‌ترین پیشگام وقف مصحف در سلسله قاجار خان‌باباخان جهانبانی معروف به فتحعلی شاه است. او که از ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ق حدود ۳۸ سال قمری بر ایران فرمان راند، از آغاز حکومتش برای جلب رضایت و حمایت علما از مشروعیت سلطنتش تلاشی گسترده کرد. او که در این زمینه از سران سلسله صفویه الگو می‌گرفت، احیا و احداث مراکز مذهبی، همچون امام‌زاده‌ها و مساجد نظیر مسجد شاه تهران، و مدارس دینی، همچون مدرسه علمیه قم،

بازگشت از این سفر به منصب وزارت رسید و تا لحظه مرگ ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ق) در حرم حضرت عبدالعظیم<sup>(ع)</sup> همراه او بود. مظفرالدین شاه در ۱۳۱۴ق او را وزیر دربار خود کرد و تا ۱۳۱۷ق در این مقام باقی ماند (شیبانی، ۱۳۶۶: ۲۶۴، ۳۲۶-۳۲۷، ۳۲۷؛ عاقلی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۰۵۷-۱۰۵۸). در اوایل نهضت مشروطیت حاکم پایتخت شد و با کاردانی و صداقت اعتماد مشروطه خواهان را جلب کرد. در عین حال همچنان معتمد دربار نیز بود، آن چنان که محمدعلی شاه که از دوره ولایت عهدی اش دل بسته غفاری بود، در زمان سلطنت به او لقب صاحب اختیار داد و این لقبی بود که از دوره نادرشاه افشار به انگشت شمار کسانی اعطا شده بود. صاحب اختیار چندگاهی نیز والی ولایات فارس و کرمان و خراسان شد و در زمان احمدشاه به وزارت جنگ و ریاست دفتر احمدشاه نیز رسید. با پرافتادن سلسله قاجار از امور دولتی کناره گرفت، اما همچنان سرشناس

آن (تصویر ۲) به خط ثلثی استادانه، حاوی رقم اصیل عبدالله صیرفی و تاریخ ۷۲۰ق است. دور نیست که رکن الدوله به یاری ذوق خوشنویسانه اش قدر این مصحف اعلا را دریافته و آن را برای بهره‌مندی آیندگان به حرم رضوی سپرده باشد.

میرزا غلامحسین غفاری صاحب اختیار (۱۲۷۶-۱۳۶۶ق): او که زاده خاندانی از خدمتگزاران دربار فتحعلی شاه بود، از کودکی با ادب فارسی و خوشنویسی و فنون دبیری و انشا آشنا شد و در جوانی به پیش خدمتی دربار ناصرالدین شاه رسید. حُسن خدمت و درست کاری و انضباط اداری اش او را در ۱۲۹۹ق به لقب امین خلوت، در ۱۳۰۱ق به فرماندهی تفنگداران سلطنتی، و در ۱۳۰۴ق به ریاست دفتر مخصوص ناصرالدین شاه و ریاست خلوت همایون رساند. در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا (۱۳۰۶-۱۳۰۷ق)، غلامحسین غفاری همراه شاه بود و تحریر مکاتبات را بر عهده داشت. در



تصویر ۱. آیات ۱ تا ۳۰ سورة بقره از مصحف ش ۱۰۸ به خط نسخ منسوب به یاقوت مستعصمی، رجب ۶۰۴، واقف فتحعلی شاه قاجار، رمضان ۱۲۳۳ (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

و دربار) ناصرالدین شاه رسید، در تهران زاده شد و در کودکی ادب فارسی و علوم مختلف را از معلمان دربار آموخت و در نظم و نثر متبحر گردید. در ۱۲۸۸ق، که پدرش هنوز زنده بود، ابتدا لقب صاحب جمع و سپس لقب امین الملک گرفت و بعد از درگذشت پدر، در ۱۳۰۰ق وزیر اعظم دربار و ملقب به امین السلطان شد. او پس از میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدراعظم ناصرالدین شاه شد و زمام تمام امور سیاسی کشور را در دست گرفت. امین السلطان در این زمان برای تأمین مخارج شاه، امتیازات متعددی به بیگانگان، به ویژه انگلیسی ها، داد که امتیاز انحصار توتون و تنباکوی ایران یکی از آنها بود، هرچند اعطای این امتیاز با مخالفت علما و مقاومت مردم ناکام ماند (بامداد، ۱۳۵۷: ج ۲، ۳۸۷-۴۰۰). او همان کسی بود که خبر قتل ناصرالدین شاه را تا زمان جلوس مظفرالدین شاه، با تدبیر و ترفند پنهان نگاه داشت. او پس از یک دوره عزل و خانه نشینی در قم، بار دیگر از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۱ق صدراعظم مظفرالدین شاه و ملقب به اتابک اعظم گردید. طی این مدت دو مرتبه مخارج

و مورد احترام رجال معتبر بود. صاحب اختیار مردی نیک نفس و اهل مدارا و ادیب و فرهنگ دوست بود که افزون بر سخنوری و نویسندگی، شعر هم می سرود. باغ او در منطقه اختیاریه تهران - که همچنان نام او را بر خود دارد - سالها قرارگاه و مأوی اهل فضل و ادب بود. این دولتمرد قاجاری همه ثروتش را که حاصل سالها خدمت در مناصب عالی بود، پیش از مرگ صرف امور خیر و منافع همگانی کرد (بامداد، ۱۳۵۷: ج ۳، ۹؛ عاقلی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۰۵۸-۱۰۵۹). از آن جمله، در رجب ۱۳۲۹ق مصحفی نفیس به خط ریحان حاجی مقصود شریف تبریزی، خطاط سده دهم، با تاریخ اتمام اول رجب ۹۷۴ را وقف آستان قدس رضوی کرد. این مصحف با صفحات ۱۰ سطر به ابعاد ۲۴ × ۳۶ سانتی متر، ۴۶۵ برگ دارد و سراسر با کتیبه ها و جداول زر و لاجورد تذهیب شده است (تصویر ۳).

میرزا علی اصغرخان امین السلطان، اتابک اعظم (۱۲۷۵- ۱۳۲۵ق): میرزا علی اصغر فرزند میرزا ابراهیم آقا امین السلطان، که از سمت آبدارچی به مقام امین السلطانی (وزارت داخله



تصویر ۳. سه سوره آخر مصحف ش ۱۱۹ به خط ریحان حاجی مقصود شریف تبریزی، رجب ۹۷۴، واقف میرزا غلامحسین غفاری صاحب اختیار، رجب ۱۳۲۹ (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).



تصویر ۲. انجامه مصحف ش ۲۷۹ به خط ثلث عبدالله صیرفی، ۷۲۰ق، واقف محمدتقی میرزا رکن الدوله، ۱۳۰۱ق (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

بسیار پاکیزه در صفحات ۱۲ سطر ۲۱ × ۳۳ سانتی متری، در ۱۱۲۶ق به پایان برده است (تصویر ۴).

امین السلطان علاوه بر وقف این مصحف، در جمادی الثانی ۱۳۰۶ کتابت مصحفی نفیس را به عباس بن مرتضی همدانی سفارش داد. این مصحف نیز به خط نسخ بر صفحات ۱۹ سطر ۱۳ × ۲۱/۵ سانتی متری کتابت شده و مجموعاً ۲۶۷ برگ دارد و در اردیبهشت ۱۳۱۸ از طرف محمد شجاع همدانی وقف آستان قدس رضوی شده است (تصویر ۵).

میرزا محمد نوری صدیق الملک (۱۲۳۳-۱۳۱۷ق): او زاده و پرورده تبریز بود و احتمالاً در همان جا منشی مخصوص عباس میرزا نایب السلطنه شد. در ۱۲۶۸ق به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و در ۱۲۷۵ق به ریاست دفتر امور خارجه رسید. او در زمان ناصرالدین شاه طی سه دوره، در ۱۲۷۶، ۱۲۸۸، و ۱۲۹۷ق، وزیر امور خارجه ایران شد و در ۱۲۹۵ق لقب

سفر اروپای شاه را با استقراض از بانک روس فراهم کرد و برای ضمانت آن، یک بار «عواید گمرکی ایران به استثنای گمرکات فارس و بنادر جنوب» و بار دیگر «امتیاز راه آهن جلفا به قزوین» را به روس‌ها واگذار کرد. او پس از برکناری از صدارت به سفر حج و سپس به اروپا رفت و تا ۱۳۲۵ق در آنجا به سر برد. در بازگشت از این سفر، به مدت چهار ماه نخست وزیر محمدعلی شاه شد، اما در ۲۱ رجب همان سال هنگام خروج از مجلس، در صحن بهارستان به ضرب گلوله عباس آقا صراف تبریزی از پا درآمد. پیکر اتابک را در قم به خاک سپردند (شیبانی، ۱۳۶۶: ۲۸۶، ۳۴۰، ۳۷۰؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۲۹۷-۳۰۰؛ بامداد، ۱۳۵۷: ج ۲، ۴۱۶-۴۱۹). امین السلطان در رمضان ۱۳۰۵ق مصحفی نفیس به قلم میرزا احمد نیریزی (۱۰۸۷-۱۱۵۵ق)، سرآمد نسخ‌نویسان ایران، را وقف بارگاه منور رضوی کرد. میرزا احمد کتابت این مصحف ۳۸۴ برگی را به خط نسخی



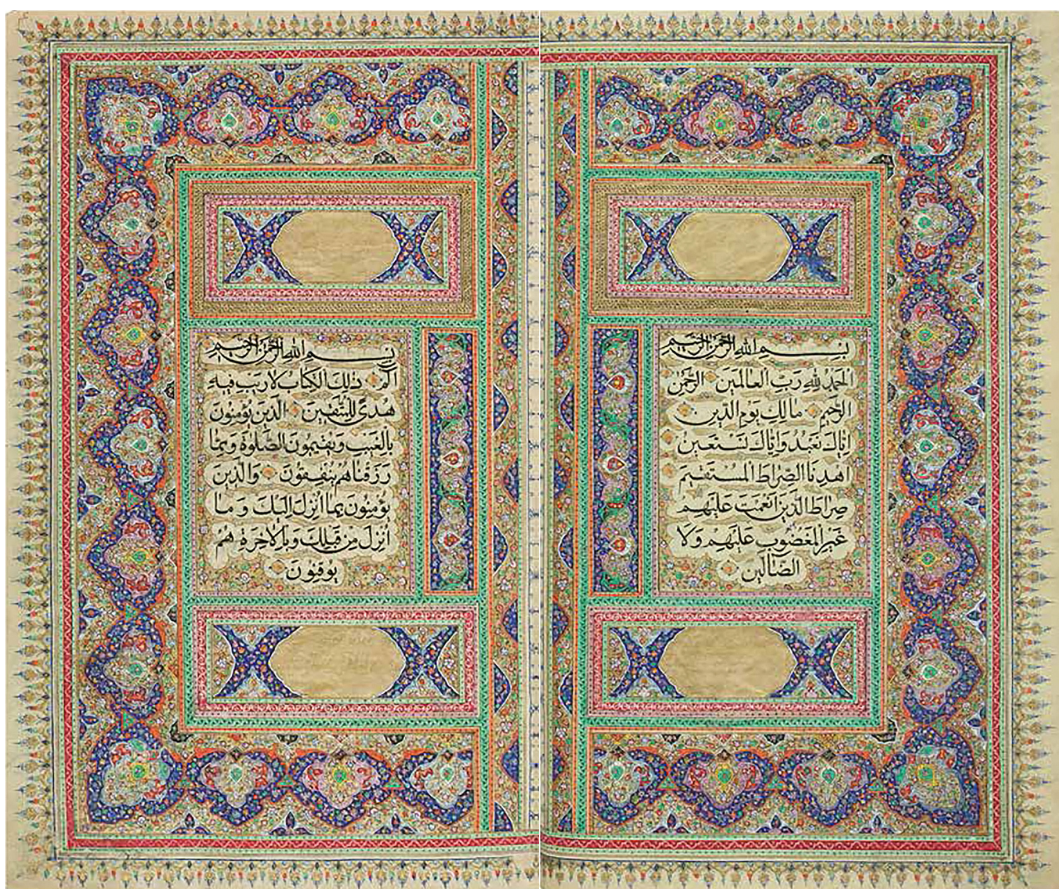
تصویر ۴. صفحه افتتاح مصحف ش ۱۲۸ به خط نسخ میرزا احمد نیریزی، ۱۱۲۶ق، واقف میرزا علی اصغر خان امین السلطان، رمضان ۱۳۰۵ (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

فتحعلی شاه قاجار در شیراز به دنیا آمد و از ۱۲۵۶ق در تهران به خدمت دفتر استیفا درآمد و پس از آن حسابدار شهرهایی چون همدان و قزوین شد. او که طی سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ق والی خراسان و متولی آستان قدس رضوی بود، پس از وفات در دارالسعادة حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> به خاک سپرده شد (شیبانی، ۱۳۶۶: ۲۵۶؛ ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۱۱۹). صاحب‌دیوان در ذیقعدة ۱۲۹۹ مصحفی را که به سفارش بدرجهان‌خانم، دختر محمدجعفرخان عرب و همسر دهم فتحعلی‌شاه (خاوری، ۱۳۷۹: ۲۱۲)، استنساخ شده بود، وقف گنجینه رضوی کرد. این مصحف را محمدعلی بن محمدقلی نوری در محرم ۱۲۲۶ به خط نسخ بر ۲۰۷ برگ ۱۴سطری به ابعاد ۲۰ × ۳۰ سانتی‌متر از جنس پارچه کتان آهارمهره کتابت کرده بود (تصویر ۷).

محمدشاه قاجار (۱۲۲۲-۱۲۶۴ق): سومین فرمانروای قاجار فرزند عباس میرزا و نوه فتحعلی‌شاه قاجار بود که پس از

صدیق‌الملک گرفت. پس از او فرزندان و نوادگانش هم در همین وزارتخانه به مقام‌هایی رسیدند. آرامگاه صدیق‌الملک در امامزاده معصوم تهران است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۲۰۳، ۹۲۳؛ ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۱۱۱، ۱۳۱). او مصحفی نفیس را که میرزا احمد نیریزی به خط نسخ نوشته و کاتبی به نام محمدعلی ترجمه آیات را به خط نستعلیق در بین سطور آن افزوده بود، در ۱۲۹۵ق برای افزودن تزیینات و حواشی به دست کسانی چون میرزا عبدالوهاب مذهب‌باشی، حاجی رشید بیگدلی مستوفی وزارت خارجه، و سید محمد بقای اصفهانی سپرد و پس از تکمیل این مراحل، در ۱۳۱۳ق وقف آستان حضرت رضا<sup>(ع)</sup> کرد. این مصحف ۴۴۷ برگ ۱۰سطری با ده سطر ترجمه فارسی، به ابعاد ۲۱ × ۳۳ سانتی‌متر دارد (تصویر ۶).

میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان (۱۲۳۶-۱۳۱۴ق): پسر دوم میرزا علی‌اکبر قوام‌الملک شیرازی و داماد

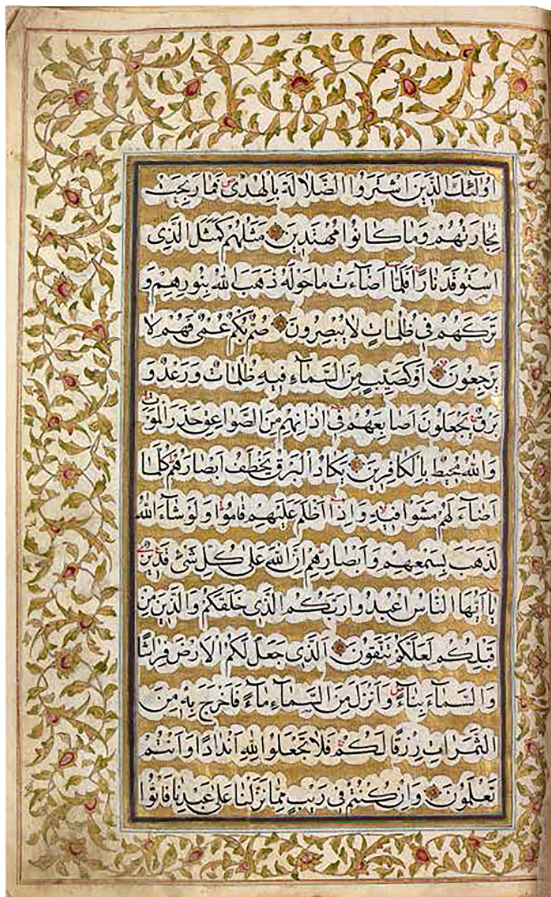


تصویر ۵. صفحه افتتاح مصحف ش ۱۵۸۱ به خط نسخ عباس بن مرتضی همدانی، به سفارش میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان در جمادی‌الثانی ۱۳۰۶، واقف محمد شجاع همدانی، اردیبهشت ۱۳۱۸ (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

کاتب السلطان، محمدعلی بن محمد مؤمن حسینی اردستانی سفارش داد که تکمیلش تا رمضان ۱۲۵۹ به درازا کشید. محمدشاه این مصحف گران بها را که بر ۲۵۹ برگ ۱۵ سطر به ابعاد ۲۵/۵ × ۳۹/۷ سانتی متر از جنس پارچه کتان آهارمهره به قلم نسخ تحریر شده، در ذیحجه ۱۲۵۹ برای مقبره پدرش عباس میرزا وقف آستان مقدس رضوی کرد (تصویر ۸).

میرزا علی اکبر قوام الملک شیرازی (۱۲۰۳-۱۲۸۲ق): یکی از دو پسر کوچک حاجی ابراهیم خان کلاتر بود که از غائله برکناری و قتل پدرش در ۱۲۱۵ق جان به در برد و در ۱۲۲۶ق به کلاتری شیراز رسید. فتحعلی شاه طی سفری به شیراز در ۱۲۴۵ق او را ملقب به قوام الملک کرد. او که همچون پدرش مردی باهوش و موقعیت شناس بود، در دوره حکومت محمدشاه

مرگ پدرش به ولایت عهدی رسید و با درگذشت فتحعلی شاه، در هفتم رجب ۱۲۵۰ در تبریز تاج گذاری کرد. در آغاز از همراهی و درایت صدراعظمش میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی برخوردار بود، اما در همان نخستین سال سلطنت فریب دسیسه چینیان را خورد و فرمان قتل قائم مقام را صادر کرد و حاج میرزا آقاسی را به جای او نشانند. آقاسی که در حکم مرشد و معلم محمدشاه بود، او را سرسپرده تصوف کرد و بدین طریق نفوذ و قدرت صوفیان را در دستگاه حکومت بالا برد. غفلت محمدشاه و بی کفایتی آقاسی، دوران چهارده ساله حکومت او را پرتشترین دوره فرمانروایی سلسله قاجار کرد که فتنه باب و قیام حسن خان سالارالدوله در خراسان از جمله این ناآرامی هاست (سپهر، ۱۳۴۴: ج ۳، ۲۳۶، ۲۵۸؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۱۱۸). با این همه، محمدشاه از امور خیر روی گردان نبود، چنان که در رمضان ۱۲۵۸ کتابت مصحفی را به



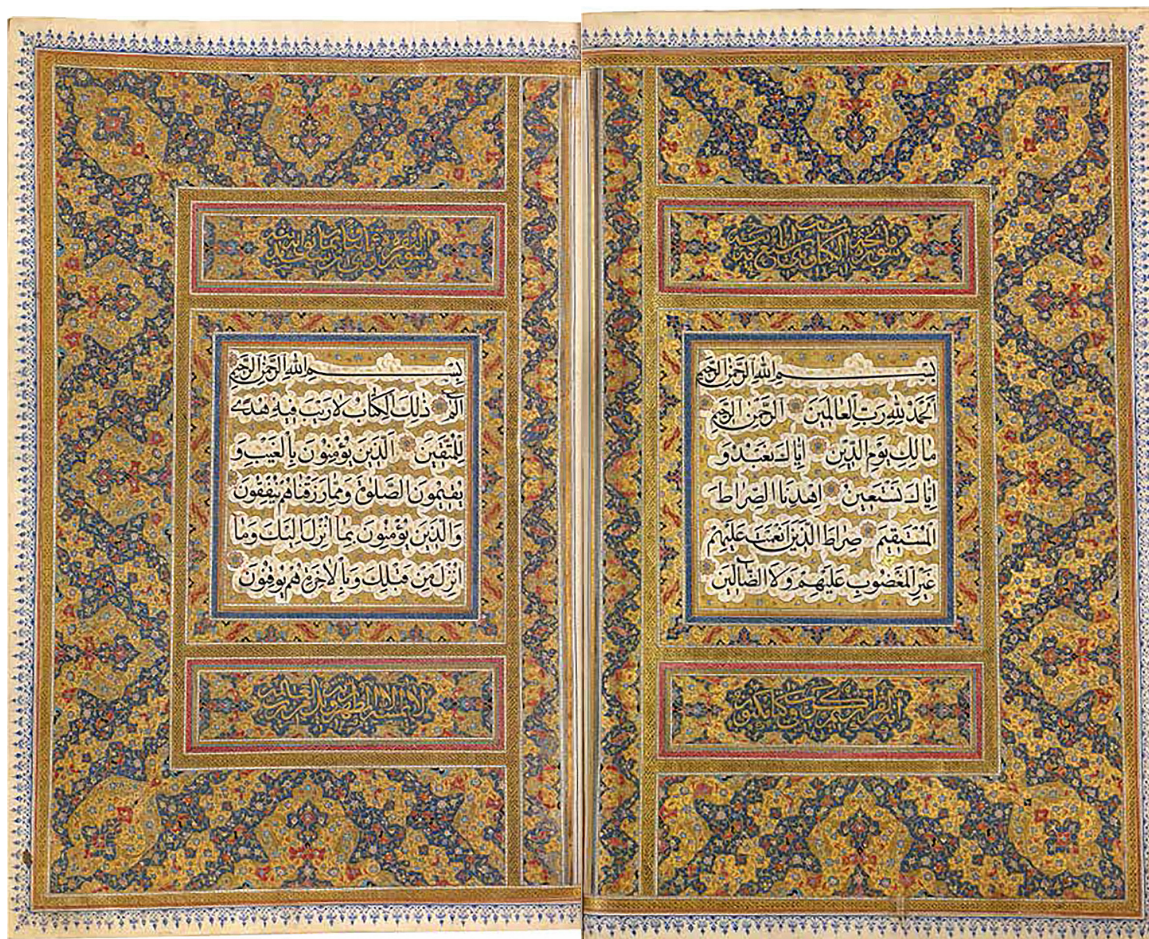
تصویر ۷ آیات ۱۶-۲۳ سوره بقره از مصحف ش ۱۵۲۵ به خط نسخ محمدعلی بن محمدقلی نوری به سفارش بدرجهان خانهمسر فتحعلی شاه قاجار، محرم ۱۲۲۶، واقف میرزا فتح علی خان صاحب دیوان، ذیقعدة ۱۲۹۹ق (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).



تصویر ۶ آیات ۱۳-۱۹ سوره بقره از مصحف ش ۱۲۷ به خط نسخ میرزا احمد نیریزی و ترجمه نستعلیق محمدعلی، سده دوازدهم، بانی تزیینات (۱۲۹۵ق) و واقف میرزا محمد نوری صدیق الملک، ۱۳۱۳ق (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

زیست و در صحن مقدس امام رضا<sup>(ع)</sup> مدفون گشت (فسایی، ۱۳۸۲: ج ۲۲، ۹۶۴). قوام‌الملک در طول حیاتش آثار خیر متعددی در شیراز و مشهد از خود باقی نهاد که مدرسه حسینیّه متصل به خانه‌اش و نقاره‌خانه حضرت موسی بن جعفر، تعویض سنگ مزار سعدی - که همچنان برجاست - و مهم‌تر از همه عمارت معروف نارنجستان قوام، از شاهکارهای معماری سده سیزدهم، از آن جمله است. همچنین به فرمان او مسجد جامع عتیق شیراز و مدرسه خان را نیز تعمیر کردند (سامی، ۱۳۶۳: ۳۳۵، ۵۸۶-۵۸۹). او در دوره کوتاه تصدی بر تولیت آستان قدس عمارت کلاه‌فرنگی زیبایی در میان باغ آصف‌الدوله مشهد برپا کرد (حکیم‌الممالک، ۱۳۵۶: ۲۲۱). قوام‌الملک یک سال پیش از خروجش از شیراز (۱۲۷۴ق) مصحفی نفیس به خط نسخ محمدشفیع وصال شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۶۲ق) ملقب به

و ناصرالدین‌شاه در برقراری نظم و خوابانیدن آشوب‌ها در ولایت فارس نقشی اساسی داشت، چندان که ناصرالدین‌شاه به او هدایای بسیار، از جمله عصایی مرصع داد و فرزندش را هم حاکم فارس کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ج ۲، ۱۱۴۷). بنا به گفته‌ها، قوام‌الملک که جمع‌آوری مالیات فارس را بر عهده داشت، از این راه ثروت کلانی اندوخت و مالک ۱۰۴ پارچه آبادی در نقاط مختلف فارس شد (بروگش، ۱۳۶۷: ج ۲، ۴۷۹). قوام‌الملک تا سال ۱۲۷۵ق در شیراز جایگاهی معتبر داشت، اما هنگامی که مرادمیرزا حسام‌السلطنه به حکومت فارس رسید، او را به اتهام تحریک مردم به آشوب، برای همیشه از شیراز اخراج و روانه پایتخت کرد. او تا ۱۲۷۹ق در تهران نزد ناصرالدین‌شاه با احترام زندگی کرد و سپس با گرفتن لقب جنابی، متولی آستان قدس رضوی شد و تا پایان عمر در مشهد



تصویر ۸. صفحه افتتاح مصحف ش ۱۱۴ به خط نسخ محمدعلی بن محمد مؤمن حسینی اردستانی کاتب‌السلطان، رمضان ۱۲۵۹، واقف محمدشاه قاجار، ذیحجه ۱۲۵۹ (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

۱۳۰۲ق)، نسخ‌نویس نامدار سده سیزدهم، سفارش داد که در شعبان ۱۲۸۱ آماده شد. شاهزاده طهماسب میرزا این مصحف نفیس را که ۳۰۴ برگ ۱۷ سطر به ابعاد ۳۳ × ۴۹/۵ سانتی متر با تذهیب و تجلید پرکار و عالی دارد، در ۱۲۸۳ق وقف زیارتگاه امام هشتم<sup>(ع)</sup> در مشهد کرد (تصویر ۱۰).

رضاقلی خان سراج‌الملک (درگذشته ۱۳۳۳ق): او فرزند عباس‌قلی خان و اصلاً اهل ایروان بود، اما چون در اصفهان زاده و ساکن شد، به سراج‌الملک اصفهانی شهرت یافت. زمانی که مسعود میرزا ظل‌السلطان حکومت چندین ولایت، از جمله اصفهان و بختیاری و یزد و فارس و خوزستان و کرمانشاهان و کردستان و لرستان، را در دست داشت، رضاقلی در تهران پیشکار و مباشر او بود و با آن‌که سواد چندانی نداشت، به سبب پشتکار شخصی و اعتبار مردمی، علاوه بر اداره حواله‌جات مالی

میرزا کوچک، شاعر و نسخ‌نویس سرشناس شیراز، را به گنجینه مصاحف رضوی اهدا کرد. وصال این مصحف را در صفحه‌های ۱۷ سطر به ابعاد ۲۲/۵ × ۳۴/۷ سانتی متر کتابت کرده و کار تذهیب و تجلیدش نیز در رجب ۱۲۶۵ پایان پذیرفته بود (تصویر ۹).

طهماسب میرزا مؤیدالدوله (۱۲۲۰-۱۲۹۷ق): پسر دوم محمدعلی میرزا دولتشاه (۱۲۳۷-۱۲۰۳ق)، فرزند ارشد فتحعلی‌شاه، پس از مرگ پدرش به خدمت عمویش عباس میرزا درآمد و چندی بعد داماد او شد. مؤیدالدوله بین سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۲۹۵ق به‌تناوب حاکم کاشان، همدان، کرمان، فارس، کرمانشاه، و ملایر شد. او که گاه با تخلص سرور شعر هم می‌سرود (خاوری، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۶؛ شیبانی، ۱۳۶۶: ۷۰، ۱۰۰)، کتابت مصحفی را به علی‌عسگر ارسنجانی (درگذشته



تصویر ۹. صفحه افتتاح مصحف ش ۱۲۳ به خط نسخ محمدشفیع وصال شیرازی، تاریخ تکمیل رجب ۱۲۶۵، واقف میرزا علی‌اکبر قوام‌الملک شیرازی، ۱۲۷۴ق (ماخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

ظل السلطان بود، خود مردی درویش منش و اهل طریقت و مرید حاج سلطان علی گنابادی بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۹: ۱۳۷، ۲۷۶؛ بامداد، ۱۳۵۷: ج ۲، ۲۸-۳۰). او از سر ارادت به امام هشتم<sup>(ع)</sup>، کتابت مصحفی نفیس را به قلم نسخ به محمد شفیع فرزند علی عسگر ارسنجانی سفارش داد که در ربیع الثانی ۱۳۰۳ آماده شد. یک سال بعد، حاجی محمدرضا محلاتی هم آن را به قلم نستعلیق حاشیه نویسی کرد. طرفه آن که نام امام<sup>(ع)</sup> و واقف با عبارات «حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام» و «کلب آستان رضاقلی سراج الملک» در کتیبه‌هایی بر صدر و ذیل تمامی صفحات به خطی رقاع مانند درج شده است. این مصحف در صفحاتی ۱۶ سطری به ابعاد ۲۰ × ۳۲ سانتی متر، ۲۳۱ برگ دارد و در جمادی الثانی ۱۳۰۵ از جانب رضاقلی سراج الملک وقف آستان مقدس رضوی شده است (تصویر ۱۱).

در میان زنان قاجاری واقف مصحف، دلشاد میرزا دختر عباس میرزا (تاریخ وقف ۱۲۶۱ق)، همدم خانم بنت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۸۴ق)، عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه (۱۲۸۴ق)، بانو طلعت السلطنه صبیئه مدیرالدوله (شعبان ۱۳۱۶ق)، و گوهر بیات صبیئه احتشام الملک (شعبان ۱۳۱۷) را می‌توان یاد کرد. محمد کریم خان حاکم بالاحصار کابل (ذیحجه ۱۲۲۸)، امیر محمد نصیر خان تالپر حمزوی (رمضان ۱۲۵۸)، امیر عبدالرحمن خان افغان (رمضان ۱۳۱۱)، و بی بی جان خانم بنت مولادادخان (شعبان ۱۲۲۰) نیز از واقفان هندی و افغان مصاحف آستان قدس در دوره قاجارند.

### بازنگری و برآیند

از مجموع آنچه گفتیم، نکات زیر را می‌توان استنباط کرد:

۱. وقف در جامعه مسلمانان سنتی دیرینه است که هرچند در قرآن و سیره نبوی اشارتی مستقیم بدان نرفته، با استناد به برخی مفاهیم نزدیک، از جمله باقیات صالحات و صدقه جاریه، از سرآغاز اسلام در میان مسلمین جریان یافته است.
۲. اهداء مصحف همواره یکی از رایج‌ترین گونه‌های وقف بوده که با توجه به نیاز همیشگی به در دسترس بودن کتاب خدا و همچنین فراهم بودن نسبی امکان وقف آن برای طبقات مختلف مسلمانان، انبوهی از مصحف‌ها با کیفیات متفاوت وقف اماکن مقدسی چون مساجد و بقاع متبرک شده است.
۳. زیارتگاه امام هشتم شیعیان<sup>(ع)</sup> در ایران از نخستین سده‌های دوران اسلامی مهم‌ترین مرکز پذیرش موقوفات مسلمین، به‌ویژه مصاحف نفیس، بوده که در ادوار مختلف تاریخ این سرزمین با

همه این ولایات، مسئولیت دریافت و پاسخ‌گویی به مکاتبات ظل السلطان را نیز بر عهده داشت. رضاقلی در ۱۲۹۹ق لقب سراج الملک گرفت. او که مردی دست‌به‌خیر بود، دست‌کم بانی ساخت دو مسجد، یکی در خیابان چراغ‌برق (امیرکبیر کنونی) و دیگری در خیابان شاه‌آباد (جمهوری کنونی) تهران، و یک حمام در خیابان چراغ‌برق شد. بنا به گفته‌ها، این دو مسجد را بر جای دو میخانه بنا نهادند، چنان‌که بر کاشی سردر مسجد خیابان چراغ‌برق آمده است:

حُسن توفیق بین که مسجد کرد/ سطح میخانه را سراج الملک  
و در تاریخ احداث آنها آمده است:

در هزار و سیصد و سه این سخن تحریر شد/ کوكب بخت  
سراج الملک عالم گیر شد

جدا از این‌ها، عمارت مسعودیه در میدان بهارستان تهران هم در ۱۲۹۵ق به سرکاری و نظارت سراج الملک بنا شد. با آن‌که سراج الملک سال‌ها در خدمت شاهزاده‌ای ستمکار چون



تصویر ۱۰. آیات آغازین سوره بقره از مصحف ش ۱۰۹ به خط نسخ علی عسگر ارسنجانی، شعبان ۱۲۸۱، واقف شاهزاده طهماسب میرزا مؤیدالدوله قاجار، ۱۲۸۳ق (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

فراز و فرودهایی همواره تداوم یافته است. ۴. واقفان با اهداف و انگیزه‌هایی گوناگون، همچون کسب ثواب، ترویج فرهنگ و علوم اسلامی، یادگار شخصی یا خانوادگی، و حفظ آثار از معرض آسیب‌ها، مصاحف موجودشان را به این بارگاه مقدس پیشکش کرده‌اند که انگیزه آخر به‌ویژه از منظر حفاظت از میراث فرهنگی، در تاریخ‌نگاری هنر اسلامی ارزشمند و قابل تأمل است. ۵. در عهد قاجار که حیات و فرهنگ سنتی ایران به نفع تجددگرایی کنار رفت، با ایجاد تغییراتی در ساختار مدیریت آستان قدس رضوی، آخرین نشانه‌های سنتی وقف مصاحف کهن، یا سفارش کتابت مصاحف جدید و سپس اهداء آنها، قابل ردیابی است. ۶. در این زمان اغلب واقفان مصحف‌های نفیس، سران خاندان قاجار یا صاحبان مناصب و اشراف وابسته به دربار بودند که صرف نظر از نیتشان، که می‌شد هر یک از موارد پیش‌گفته باشد، گنجینه مصاحف رضوی را غنایی شایسته بخشیدند. ۷. چنین می‌نماید که مطالعه احوال و تأمل در انگیزه‌های این واقفان، بخشی مغفول‌مانده از مطالعات تاریخ هنر اسلامی است که با پیگیری آن شاید بتوان برخی بسترهای بومی شکل‌گیری گنجینه‌های اسلامی و حفاظت از میراث این تمدن را، که تا حد زیادی متفاوت از گردآوری دیگر مجموعه‌های هنری جهان، به‌ویژه در غرب است، تبیین و تشریح و زیرساخت‌های بومی پژوهش در هنر اسلامی را تقویت کرد. سخن آخر این‌که به نظر می‌رسد سنت وقف مصحف از آداب شاخصی است که تمدن اسلامی را آشکارا از فرهنگ‌های دیگر، به‌خصوص غرب، متمایز می‌کند. اگرچه اهداء آثار هنری به مجموعه‌های عمومی از دیرباز در فرهنگ غرب متداول بوده، چندان نمی‌توان آن را با جریان موقوفات اسلامی همسنگ

فراز و فرودهایی همواره تداوم یافته است. ۴. واقفان با اهداف و انگیزه‌هایی گوناگون، همچون کسب ثواب، ترویج فرهنگ و علوم اسلامی، یادگار شخصی یا خانوادگی، و حفظ آثار از معرض آسیب‌ها، مصاحف موجودشان را به این بارگاه مقدس پیشکش کرده‌اند که انگیزه آخر به‌ویژه از منظر حفاظت از میراث فرهنگی، در تاریخ‌نگاری هنر اسلامی ارزشمند و قابل تأمل است. ۵. در عهد قاجار که حیات و فرهنگ سنتی ایران به نفع تجددگرایی کنار رفت، با ایجاد تغییراتی در ساختار مدیریت آستان قدس رضوی، آخرین نشانه‌های سنتی وقف مصاحف کهن، یا سفارش کتابت مصاحف جدید و سپس اهداء آنها، قابل ردیابی است. ۶. در این زمان اغلب واقفان مصحف‌های نفیس، سران خاندان قاجار یا صاحبان مناصب و اشراف وابسته به دربار بودند که صرف نظر از نیتشان، که می‌شد هر یک از موارد پیش‌گفته باشد، گنجینه مصاحف رضوی را غنایی شایسته بخشیدند. ۷. چنین می‌نماید که مطالعه احوال و تأمل در انگیزه‌های این واقفان، بخشی مغفول‌مانده از مطالعات تاریخ هنر اسلامی است که با پیگیری آن شاید بتوان برخی بسترهای بومی شکل‌گیری گنجینه‌های اسلامی و حفاظت از میراث این تمدن را، که تا حد زیادی متفاوت از گردآوری دیگر مجموعه‌های هنری جهان، به‌ویژه در غرب است، تبیین و تشریح و زیرساخت‌های بومی پژوهش در هنر اسلامی را تقویت کرد. سخن آخر این‌که به نظر می‌رسد سنت وقف مصحف از آداب شاخصی است که تمدن اسلامی را آشکارا از فرهنگ‌های دیگر، به‌خصوص غرب، متمایز می‌کند. اگرچه اهداء آثار هنری به مجموعه‌های عمومی از دیرباز در فرهنگ غرب متداول بوده، چندان نمی‌توان آن را با جریان موقوفات اسلامی همسنگ



تصویر ۱۱. صفحه افتتاح مصحف ش ۱۲۴ به خط نسخ محمدشفیع بن علی عسگر ارسنجانلی، ربیع الثانی ۱۳۰۳، واقف رضاقلی خان سراج‌الملک، جمادی الثانی ۱۳۰۵ (مأخذ: گنجینه آستان قدس رضوی).

و ضعفش در عهد قاجار، نک: علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۱: ۷۹-۹۳.  
 ۱۱. ترتیب نام‌ها بر اساس قدمت مصحف‌های وقفی است.  
 ۱۲. برای آگاهی بیشتر، نک: گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۸۶-۸۹.  
 ۱۳. گفتنی این‌که غلامحسین بنان (۱۲۹۰-۱۳۶۴ش)، خواننده سرشناس معاصر، نوه دختری شاهزاده رکن‌الدوله بود که خود نشانه‌ای از تداوم ذوق هنرجویی در این خاندان است.  
 14. Heinrich Karl Brugsch.  
 ۱۵. برای آگاهی بیشتر از مصحف‌های وقفی زنان و برخی جزئیات درباره زنان واقف در دوره قاجار، نک: خسروانی شریعتی، ۱۳۷۹: ۱۱۸۲-۱۱۹۷.  
 برای دیدن تصاویری از برخی مصحف‌های وقفی این زنان، نک: صحراگرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۵-۲۰۴، ۲۲۹-۲۲۸.  
 ۱۶. برای جزئیات بیشتر درباره واقفان هندی و افغان مصحف‌ها، نک: شاکری، ۱۳۷۹: ۱۳۵۹. برای دیدن تصاویری از مصحف‌های وقفی ایشان، نک: صحراگرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۳-۲۵۶.

### فهرست منابع

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نی،  
 ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر.  
 اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۷)، صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران: روزبهان.  
 اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۸)، مرآة البلدان ناصری، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.  
 اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۸۹)، روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهارس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.  
 بامداد، مهدی (۱۳۵۷)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ۵، تهران: زوار.  
 بروگش، هاینریش کارل (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران: ۱۸۵۹-۱۸۶۱، ترجمه حسین کردبچه، تهران: اطلاعات.  
 بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱-۲، تهران: علمی.  
 جلالیان، سعیده (۱۳۹۲)، «شرح حال و اقدامات حاج میرزا موسی خان فراهانی نخستین متولی باشی آستان قدس رضوی در دوره قاجار»، دانش‌سورز، ش ۴، ۳۲-۳۳.  
 حکیم‌الممالک، علینقی بن اسماعیل (۱۳۵۶)، روزنامه سفر خراسان، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.  
 خاوری، فضل‌الله حسینی شیرازی (۱۳۷۹)، تذکره خاوری، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: زنگان.  
 خسروانی شریعتی، سید محمود (۱۳۷۹)، «وقف‌نامه‌های قرآن و طبقات زنان واقف کتابخانه آستان قدس رضوی»، مجموعه مقالات کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، گردآورنده محمد فرح‌زاد، مشهد: آستان قدس رضوی.  
 خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العربی.

شمرد، چراکه این قبیل اهدانات، دست‌بالا، از باوری اجتماعی و خیرخواهانه برخاسته‌اند و مشکل بتوان ریشه‌هایی در باورهای آیینی و دینی برایشان تصور کرد. نکته دیگر این‌که اهداکنندگان آثار هنری در غرب عموماً از طبقه اشراف فرهنگی و هنرشناس بوده‌اند که از سر‌خبرگی و علاقه اقدام به مجموعه‌داری کرده‌اند، اما در جوامع اسلامی، به‌ویژه ایران، زنان و مردانی از طبقات مختلف و غالباً بی‌ارتباط با عوالم هنر، اموال هنری‌شان را از روی ارادت و باوری که دست‌کم یک پایش در دین بوده، تقدیم مراکز عمومی کرده‌اند؛ آن‌هم نه به موزه یا مجموعه‌ای که مختص این‌گونه گردآوری‌هاست، بلکه به نهادهای مقدسی که علت وجودی‌شان هرگز نگهداری از آثار هنری نبوده است. پس اگر مصحف‌های نفیس را به‌منزله محملی برای نمایش آثار چند رشته از مهم‌ترین هنرهای بصری اسلامی، نظیر خوشنویسی و تذهیب، ببینیم، بهتر است اهداکنندگان آنها را نیز هنرشناسان و خبرگانی نامتخصص، در کسوت شاه و وزیر و وکیل و تاجر و پیشه‌ور و بانوی مؤمنه بینگاریم.

### پی‌نوشت‌ها

۱. عن النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) أنه قال: «حبس الأصل و سبل الثمرة»، و عنه (صلی‌الله‌علیه‌وآله) أنه قال: «إن شئت حبست أصله و سبلت ثمرتها».  
 ۲. «هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید [در راه خدا] انفاق کنید، و خداوند از آنچه انفاق می‌کنید با خبر است».  
 ۳. «مال و فرزند زیور زندگی دنیایند، اما پاداش نیکی‌های ماندگار نزد پروردگارت بهتر و عاقبت‌شان نیکوتر است».  
 ۴. «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَهُ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲/۲۳۰). «هرگاه آدمی زاده‌ای بمیرد، پرونده اعمالش بسته می‌شود، مگر در سه چیز [که آثار آن پس از مرگ نیز به او می‌رسد]: فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند، علمی که دیگران از آن نفع می‌برند، و صدقه جاریه».  
 ۵. برای آگاهی از پیشینه، پراکندگی جغرافیایی، انواع، و مصارف موقوفات حرم رضوی، نک: مرکز خراسان‌شناسی، ۱۳۷۸: ۷۲-۷۵.  
 ۶. برای آگاهی بیشتر از پیشینه وقف مصحف و نظر برخی فقهای متقدم در این زمینه، نک: رفیعی، ۱۳۷۳: ۱۰۴-۱۰۷.  
 ۷. یکی دیگر از اشارات قرآن به عمل وقف، در آیه ۷۶ سوره مریم آمده است: «وَيَزِدْ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَائِغَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا». «اما کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید، آثار و اعمال صالحی که [از انسان] باقی می‌ماند در پیشگاه پروردگار تو ثواب بیشتر و عاقبتش ارزشمندتر است».  
 ۸. برای دیدن برگ‌هایی از این چهار مصحف، به همراه شرح کیفیتشان، نک: صحراگرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۹-۵۹.  
 ۹. با آن‌که در دوره معاصر همچنان نسخه‌هایی کتابت و نسخه‌هایی وقف می‌شود، ساز و کار زندگی امروزی ضرورت این اقدامات را تا حد زیادی از میان برده است؛ البته جدا از مواردی که کسانی نسخه‌های کهن را وقف کنند.  
 ۱۰. برای آگاهی بیشتر درباره ساز و کار تولید آستان قدس رضوی و نقاط قوت

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی، علی (پاییز ۱۳۷۳)، «تاریخچه وقف کتاب در اسلام»، وقف میراث جاویدان، ش ۷، ۱۰۴-۱۰۷.
- ریاضی هروی، محمدیوسف (۱۳۷۲)، *عین الوقایع*، به اهتمام محمدآصف فکرت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- سامی، علی (۱۳۶۳)، *شیراز شهر جاویدان*، شیراز: نوید.
- سپهر، میرزا محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۴۴)، *ناسخ‌التواریخ*، به تصحیح و حواشی محمدباقر بهبودی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۸۴ق)، *بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: عیسی البابی الحلبي و شرکاء.
- شاکری، رمضان‌علی (۱۳۷۹)، «واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی»، *مجموعه مقالات کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی*، گردآورنده محمد فرحزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شیبانی، میرزا ابراهیم صدیق‌الممالک (۱۳۶۶)، *منتخب‌التواریخ*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: علمی.
- صحراگرد، مهدی، محسن عبادی، و مجید فداییان (۱۳۹۱)، *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی، منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا سده نهم هجری قمری*، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- صحراگرد، مهدی، محسن عبادی، و مجید فداییان (۱۳۹۳)، *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی، منتخب قرآن‌های نفیس از سده دهم تا*
- چهاردهم هجری قمری، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰)، *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، ج ۲، تهران: نشر گفتار و علم.
- علیزاده بیرجندی، زهرا، و اکرم ناصری (تابستان ۱۳۹۱)، «تأثیر کارکردهای متولیان آستان قدس رضوی در فرهنگ تشیع، مطالعه موردی عصر قاجاریه»، *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ش ۶، ۷۷-۱۰۷.
- فسایی، میرزا حسن حسینی (۱۳۸۲)، *فارسنامه ناصری*، ج ۲، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- فضانلی، حبیب‌الله (۱۳۹۰)، *اطلس خط*، تهران: سروش.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۷)، *راهنمای گنجینه قرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسیای*، قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث.
- مرکز خراسان‌شناسی (پاییز ۱۳۷۸)، «نگاهی به موقوفات آستان قدس رضوی»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۲۷، ۷۲-۷۵.
- معتبرالممالک، دوست‌علی‌خان (۱۳۶۱)، *رجال عصر ناصری*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- مؤذن جامی، محمد مهدی (۱۳۷۹)، «دین کتاب، دین خطاب»، *مجموعه مقالات کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی*، گردآورنده محمد فرحزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.